

امتحان قبر



شیخ طریقت، امیرِ اہلسنت، بانیِ دعوتِ اسلامی، حضرتِ علامہ مولانا ابوبلال

دامت برکاتہم
العالیہ

محمد الیاس عطار قادری رضوی

شيخ طريقت، امير اهل سنت، بانيء دعوت اسلامي، حضرت علامه
دامت بركاتهم العاليه

مولانا ابو بلال محمد الياس عطار قادري رضوي

امتحان قبر

UAN: ☎ +92-21-111-25-26-92 – Ext. 7213

Email: ✉ translation@dawateislami.net

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ
الْمَأْبُودِ فَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امتحان قبر

اگرچہ شیطان بہ صدہا بھانہ و فریب شمار از انجام دادن اعمال نیک غافل میکند ولی باز ہم سعی کنید تا
این رسالہ را کاملًا مطالعہ فرمائید انشاء اللہ عَزَّوَجَلَّ در قلب تان یک تحول و انقلاب مدنی بوجود خواهد آمد۔

فضیلت درود شریف

سردار مدینہ راحت قلب و سینہ حبیب پروردگار شفیع روز شمار جناب احمد مختار صَلَّی اللَّهُ تَعَالَى عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ارشاد میفرمائید:
مجاس خود را با فرستان درود بر من۔ آراستہ نمائید۔ زیرا: ہمین درودی کہ بر من میفرستید در روز محشر برای شانور میگردد۔

(الجامع الصغیر ص ۲۸۰ حدیث ۳۵۸۰)

صَلُّوا عَلَيَّ الْحَبِيبِ! صَلَّی اللَّهُ تَعَالَى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

یاد رکھ ہر آن آخر موت ہے	بن تو مت انجان آخر موت ہے
مرتے جاتے ہیں ہزاروں آدمی	عاقل و نادان آخر موت ہے
کیا خوشی ہو دل کو چند زیت سے	غمزدہ ہے جان آخر موت ہے
ملک فانی میں فنا ہر شے کو ہے	سن لگا کر کان آخر موت ہے
بارہا علمی تجھے سمجھا چکے	مان یا مت مان آخر موت ہے

معنی شعر اردو: ہوشیار باش وغافل مشوکہ در لحظات زندگی موت تو را در آغوش میگیرد دھرادان انسان در یک لحظہ می میرند اگر داناست و یانادان آخرش موت است، از این زندگی چند روزہ دل چقدر خوشحال خواہد بود کہ روح فسرده و غمگین آخر چشندہ موت است 'اور این دنیا فانی ہر چیز می میرد گوشہایت را خوب باز کن و بشنو کہ آخر مرگ است ' بارہا علم و دانش تو را فہمناںد اگر پزیری یا نپزیری آخر موت را خواہی چشید

قہر و غضب قبر

از حضرت سیدنا ابوالحجاج ثمالی رضی اللہ تعالیٰ عنہ روایت است کہ: سردار مدینہ سلطان باقرینہ قرار قلب وسینہ صلی اللہ تعالیٰ علیہ و آلہ وسلم ارشاد میفرماید: زمانیکہ میت در قبر گذاشتہ می شود قبر اورا خطاب میکند: ای آدمیزاد۔ ای انسان تو چرا از من فراموش بودی، آیا انقدر ہم نمی دانستی کہ من خانہ فتنہ ہایم، خانہ تاریکی ہایم پس تو باچہ دلیل بالای من باناز و غرور قدم میزدی۔ اگر آن مردہ از نیکو کاران باشد پس یک صدای غیبی قبر را میگوید: ای قبر اگر این شخص از گروہ کسانی ہست کہ امر بہ معروف و نہی از منکر مینمایند پس (برخوردت چگونه است) قبر میگوید اگر واقعاً اینگونہ باشد من برایش گلزاری شوم بنا برین بدن آن شخص بہ نور تبدیل می شود و وحش بہ سوی بارگاہ رب العالمین پرواز میکند، (مسند ابی یعلیٰ ج ۷ ص ۷۷ حدیث ۷۸۴۵)

مبلغین را مبارک باد

برادران عزیز اسلامی! بہ این حدیث شریف قدری توجہ فرمائید کہ: چون کسی در قبر داخل میشود اگر نیک باشد باید۔ اورا در قبر میترسانند، مبلغین دعوت اسلامی! مدرسین فضایل سنت ہا، شرکت کنندگان و گشت کنندگان در روستا ہا و شہر ہا برای دعوت بہ نیکی، تربیت کنندگان فرزندان در ادای سنت و تلاش کنندگان انفرادی در آموزش سنن را مبارک باد کہ در قبر یک آواز غیبی دعوت کنندگان نیکی و نہی کنندگان منکر را تا نیت و حملیت میکند و همچنین قبر برای شان گلزار میگردد - "پس ای مبلغ از من بر تو این دعا باد کہ ازین نزد بان ترقی و پیشرفت بالا برو" اہل و عیالم کجا ہستند!

تمہیں اے مبلغ یہ میری دعا ہے کیے جاؤ طے تم ترقی کا زینہ

صَلُّوْا عَلَی الْحَبِیْبِ! صَلَّی اللّٰہُ تَعَالٰی عَلٰی مُحَمَّدٍ

بخاطر داشته باشید که در قبر تنها عمل ترا همراهی میکند - دیگر این ساختمان های مجلل - مال - زمین - کشتزارهای سرسبز بانگات پر میوه و حسابهای بانکی با تو در قبر نخواهند رفت چنانچه حضرت سیدنا عطاء بن یسار رحمۃ اللہ تعالیٰ علیہ میفرماید: زمانیکه میت در قبر گذاشته می شود قبل از همه عملش می آید و روان پای راستش را حرکت داده می گوید من عمل تو هستم مرده می پرسد زن و فرزند انم کجا اند؟ سرمایه و نعمت هایم کجا هستند - عمل او میگوید همه ترا ترک داده اند - غیر از من کسی دیگر در قبر همراهت نیامده - (شرح الصدور ص ۱۱۱)

چیزهای هولناک در قبر

ای کسانی که در شب های تاریک و حشت زده میشوید، از صدای میوموناگهانی گربه حاجرت زده میشوید، از صدای عو عو سنگ ها ترسیده و راه های خود را تغییر میدهید، از شنیدن نام مار و عقرب لرزه بر اندامتان می افتد - از دیدن شعله های آتش و یا دود آن از فاصله دور میترسید؛ باید توجه داشته باشید که حضرت سیدنا علامه جلال الدین سیوطی شافعی رحمۃ اللہ تعالیٰ علیہ در شرح الصدور چنین ایراد میفرماید: وقتی که انسان در قبر گذاشته میشود تمام چیزهای که در دنیا از آنها می ترسید اینجا هم برای ترساندن او می آیند و از خداوند متعال نمی ترسید - (شرح الصدور ص ۱۱۲)

آیا کسی که از خدا عَزَّوَجَلَّ میترسد می تواند گناه بکند؟

برادران عزیز اسلامی: آیا کسی که ترس خدا در دلش باشد در انجام دادن کارهای نیک مانند نماز - روزه - زکات کوتاهی خواهد کرد؟ کسی که از خدا ترسد با جنگ و دعوا تجارت خواهد کرد؟ کسب روزی حرام - کار و بار سودور شوت رami تواند انجام دهد؟ در حالیکه کوتاه کردن ریش کمتر از یک مشت و یا تراشیدن آن حرام است پس کسی که ترس خدا در دلش باشد می تواند ریش را بترشد و یا به مد روز بگذارد؟ آیا انسان خدا ترس می تواند فیلم های تلویزیون و ماهواره ای را تماشا کند؟ و یا به سرود و ترانه های تحریک کننده شبهوت گوش فرادهد؟ و یا مادر، پدر، برادر، خواهر، اقوام و انسان های دیگر رami تواند برنجاند؟ انسان خدا ترس جرم های دیگری مانند: بد زبانی، دروغ، غیبت، سخن چینی، وعده خلافی، چشم چرانی، بی حیائی، دزدی، راهزنی،

قتل، غارتگری وغیرہ را می تواند انجام دهد؟ کسانی که به انواع گناہان آلودہ هستند یکبار دیگر گوشہ را باز کنند و بشنوند کہ چون در قبر گذاشته می شوند تمام چیزهای کہ در دنیا آہہارا میترسانند دوبارہ بہ سر اعش می آیند ولی افسوس کہ از خدا نمی ترسیدند۔ (البضا)

فریاد مرده های همسایہ

بی نمازان و بدون عذر شرعی قضاء کنندگان روزہ، تماشا کنندگان فیلم ہا۔ گوش کنندگان سرودهای مبتذل۔ کسانی کہ والدین خود را آزار میدهند۔ ریش های خود را می تراشند و یا کمتر از یک مشت میگذارند و متکبران باید متوجہ بشوند کہ چتہ الاسلام حضرت سیدنا امام محمد بن محمد بن محمد غزالی رَحْمَةُ اللهِ تَعَالَى عَلَیْہِ ارشاد میفرمایند: وقتی کہ مرده ای گنہگار را در قبر میگذارند و عذاب بر او جاری میگردد مردگانی کہ در کنار قبر او هستند بہ او میگویند: ای کسی کہ بعد از همسایگانیت و برادرانت در دنیای فانی زندگی میکردی، آیا جدائی ما برایت عبرت نبود؟ آیا رفتن ما از دنیا قبل از شما جای برای تفکر باقی نماندہ بود؟ آیا اختتام دورہ زندگی و اعمال ما را ندیدی؟ این مدت برایت غنیمت و مصلحتی بود پس آن نیکی های کہ برادرت انجام ندادہ بود تو چرا انجام ندادی؟ گوشہ ای از زمین بہ او ندا میزند و میگوید: ای فریب خورده دنیای فانی چرا از کسانی کہ قبل از تو اینجا آمدہ بودند پند نگرفتی؟ و آتھامم قبلا فریب دنیا را خورده بودند۔ برادران عزیز اسلامی! در حقیقت ہر مرده ای کہ فوت میکنند این پیغام را بدیگران می گذارد و میرود: کہ ہمین گونه کہ من مردم شما ہم نخواہد مرد ہمین طور کہ من زیر خاک دفن گردیدم بھمین ترتیب شما ہم دفن می شوید۔ (احیاء العلوم ج ۵ ص ۲۵۳)

جنازہ آگے بڑھ کے کہہ رہا ہے اے جہاں والوں! مرے پیچھے چلے آؤ تمہارا رہنمائی ہوں

معنی شعر اردو: زمانی کہ جنازہ در پیش است و میرود میگوید ای جہانیاں پشت سر من بیائید من رہنمای شما ہستم

وقت امتحان رسیدہ است

برادران عزیز اسلامی! وقتی کہ امتحانات مدارس و دبیرستانہا نزدیک می شوند دانش آموزان و محصلان آمادگی

میگیرند۔ شب و روز در ہمدین خیال اند کہ وقت امتحان مارسیدہ است، برای امتحانات آمادہ میشوند۔ از ہر کسی درین بارہ دعاء ہم میخوانند حتی کہ بعض از جہالت بہ ممتحن رشوت ہم میدہند ہر یکی آرزو دارد کہ در این امتحانات دنیوی با بہترین نمرات موفقیت را کسب نماید۔ ای کسانی کہ غرق آمادگی امتحان دنیوی شدہ اند۔ گوشہای تان را باز کنید و خوب بشنوید۔ یک امتحان دیگر ہم در پیش دارید کہ در قبر است، ای کاش آمادگی برای امتحان قبر ہم نصیب ما میگردید امروز اگر سوالات امتحانات بدست آید۔ تمام شب را شاگرد بہ بیداری میگذرانند حتی کہ انواع قرص ہارا برای از بین بردن خواب مصرف میکنند۔ ای کسانیکہ در فکر پاس کردن امتحانات دنیوی ہستید جای افسوس است کہ برای حل سوالات ظاہری خود را بہ زحمت می اندازید: کاش! بایستقد احساس می داشتیم کہ برای حل سوالات قبر کہ یقیناً حق و از جانب پروردگار توسط رسول گرامی اش بہ ما ابلاغ گردیدہ کہ جواب آہنہا را نیز ارشاد فرمودہ اند آمادگی می داشتیم۔ افسوس کہ ما را هیچ توجہ و فکری در مورد جواب دادن سوالات قبر نیست: آہ کہ مادرین دنیا آمدہ ایم و چنان در زیب و زینت دنیوی مدہوش شدہ ایم کہ حتی از مرگ ہم غافل می باشیم۔

دل غافل نہ ہوں بیکدم یہ دنیا چھوڑ جانا ہے	بچنے چھوڑ کر خالی زمین اندر سنانا ہے
ترانا تک بدن بھائی جو لیٹے پیچ چھولوں پر یہ ہو گا	ایک دن بے جاں اسے کر موں نے کھانا ہے
تو اپنی موت کو مت بھول کر سامان چلنے کا	زمین کی خاک پر سونا ہے اینٹوں کا ستر ہانا ہے
نہ نیلی ہو سکے بھائی نہ بیٹا باپ نہ مائی	تو کیوں پھرتا ہے سودائی عمل نے کام آتا ہے
عزیزاں یاد کر جس دن کہ عزرائیل آوے گے	نہ جاوے کوئی تیرے سنگ اکیلا تو نے جانا ہے
جھان کے شعل میں شاعل خدا کی یاد سے غافل	کرے دعوی کہ یہ دنیا مراد اٹم ٹھکانہ ہے
غلام ایک دم نہ کر غفلت حیاتی پہ نہ ہو غزہ	خدا کی یاد کر دم کہ جس نے کام آتا ہے

معنی شعر اردو: 'ای دل لحظہ ای غافل مباحش کہ این دنیای فانی را میگذاری و بادست خالی در زیر زمین میروی' ای برادر عزیز کہ در این دنیا بدن ناز نیست بروی بسزہای نرم و گل ہای رنگارنگ در آسایش است روزی خواہید دید کہ آن جسم را کرم ہای خوردند! 'اپس موت را فراموش مکن و در فکر ساز و سامان سفر باش کہ در زیر زمین می خوابی و خشت خاکی زیر

سرت خواهد بود! آنگاه دوست دردت را دوامینکنند فرزند پدرو مادر، پس ناامید مباش که عمل نیک ترا یاری خواهد کرد، عزیزم آن روز را بیدار بیاور که عزرائیل به ملاقات تو می آید آنگاه هیچکس تو را همراهی نمی کند و تنها خواهی رفت! بنابراین به کارهای دنیوی مشغول هستی و از یاد خدا غافل و همیشه مدعی هستی که این دنیا برایم پایدار است! ای بنده! لحظه ای غافل مباش و به زندگی فانی مغرور مشو و هر آن در یاد خدا باش که همین عمل نیک ترا یاری خواهد کرد،

پیروی کننده هم کامیاب است

برادران عزیز اسلامی! خداوند بر شما فضل و کرم فرماید - اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ - همه شما در مدینه منوره کنار گنبد خضراء و جلوه محبوب صَلَّی اللّٰهُ تَعَالَى عَلَیْهِ وَاٰلِهِ وَسَلَّمَ با ایمان کامل شهادت نصیب فرماید و این همه دعاها را به برکت خاک مدینه منوره در حق این سگ مدینه نیز قبول فرماید خدای عَزَّوَجَلَّ بفضل و کرم خویش بر اچنان الگوی را عطا فرموده است که مسلمانی که هر چه بیشتر و خوبتر از او پیروی نماید بجهان اندازه موافق خواهد شد چنانچه این الگوی مقدس را خداوند در پارہ 21 سورة احزاب آیة 21 چنین معرفی میفرماید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

ترجمه کنز الایمان: پیشک برای شما پیروی رسول اللہ بهترین نمونه است پس کسی که پیروی از این نمونه رحمت میکند کامیاب است و کسی که این نمونه بی مثل و بینظیر را ترک کرد و پیروی از شیطان نمود و راه و روش کافران را اختیار کرد او هرگز کامیاب نخواهد شد -

داماد بد شانس در شب عروسی در خواب مرگ

برادران عزیز اسلامی! خداوند بر شما رحم بفرماید: شاید این اتفاق بین شما افتاده باشد که گاهی صدای گریه و فریاد را شنیده باشید که شخصی سالم و خوشحال در شب خوابیده و صبح که می خواهند برای کار و بدش بیدارش کنند از خواب بیدار نمی شود آخر الامر دیده می شود که این خواب تا قیمت او امده و در یعنی روحش از بدن پرواز نموده است - بل! این یک واقعه دلخراش است که در باب المدینه

کراچی نیز صورت گرفتہ است۔ یک نوجوان کہ شب مراسم عروسی اش بہ اتمام رسیدہ و فردائیش بادل پر از آرزوی خواستند عروس خانم را از خانہ پدر مرخص و بہ خانہ بخت بہرند شب را بجای اینکه بانوافل شکرانہ نعمت الہی و صدقہ و خیرات سپری کنند محفل خویش را بارقص و آواز برپا نمودہ پیروی از شیطان نمودند۔ عروس در مجلس زنان و داماد در محفل جوانان و دوستانش شب را صبح کردند تا آذان صبح شد و بجای اینکه صبح بہ سوی مسجد برای ادای فرضہ اللہ عزوجل بروند از پای کوبی ہای زیاد خستہ شدہ ہر یک بر بستر خواب رقتند۔ داماد در بستر دراز کشیدہ از خستگی زیاد خواب فرو میرود۔ برادران محبوب اسلامی! خوب با گوش دل بشنوید، آرزو جمعہ بود مادر ساعت 12 ظہر یکی را می فرستد کہ فرزند عزیزش را از خواب بیدار نماید تا غسل کردہ و برای ادای نماز جمعہ بہ مسجد برود و عروس خانم را بہ خانہ خود بہرند۔ یکی از عزیزان برای بیدار کردنش میرود و ہر چہ صد میزند اما از داماد جوابی بہ گوش نمی رسد، با تعجب می گوید چہدراز رقص و پای کوبی شب خستہ شدہ کہ بیدار نمی شود و قتی کہ بہ او نزدیک می شود بدنش را تکان میدہد ناگهان متوجہ می شود و فریاد سر میدہد کہ این جوان بہ خواب ہمیشگی فرو رفتہ و ہرگز بیدار نخواہد شد۔ آواز گریہ و فریاد بلند شد۔ خانہ ای سرور و شادی بہ خانہ عزاتبدیل شدہ جای کہ ساز و سرور بود اکنون بہ آہ و گریہ مبدل گردیدہ جای کہ صدای قہقہ و شادمانی بگوش میرسد اکنون آنتک ہای نالہ و فغان جاری است آمدگی تجھیز و تکفین شروع شد، آہ: صد آہ: کسی کہ چند لحظہ قبل گل ہای رنگارنگ بر گردنش آویزان و در ماشین آراستہ بہ گل ہانشستہ بود۔ آن داماد بخت برگشتہ اکنون جنازہ اش داخل تابوت گذاشتہ شدہ بجای اینکه او را بہ سوی تالار عروسی بہرند برشانہ ہا حمل گردیدہ و بہ سوی قبرستان بردہ می شود۔ وای! وای! داماد بدشانس از خانہ آراستہ و چراغانی برون آمدہ و بسوی قبرستان تاریک روان است اکنون اودر جملہ عروسی ای کہ بانواع گل ہا و لامپ ہای رنگارنگ آراستہ شدہ بودند بلکہ در قبری کہ پراز کرم ہا و حشرات و حشتناک است گذاشتہ می شود اکنون بدن او بالباس ہای زیبای عروسی پوشیدہ نیست بلکہ در کفن کہ با کافور خوشبو شدہ قرار گرفتہ است و۔۔۔۔۔ و۔۔۔۔۔ ہمہ می بینند کہ داماد بدشانس در گودال قبر گذاشتہ شد۔

تو خوشی کے پھول لے گا کب تلک؟

تو یہاں زندہ رہے گا کب تلک؟

منظره هولناک در قبر

برادران عزیز اسلامی! ما هم یک روزی میریم در قبری رویم، بلی! دفن کنندگان خویش را می بینیم و صدای آههاریم می شنویم زما یکده آنها خاک در قبر میریزند این منظر دردناک هم دیده میشود اما چیزی نمی توانیم بگویم بعد از تدفین آنها که ما نوازش میکردند رخصت می شوند و میروند. صدای قدم های ایشان در قبر شنیده می شود. اندکی به خواب فرو میرویم که دو فرشته مهیب و هولناک سیاه رنگ با بالهای دراز و دندان های بزرگ دیوار قبر را فرو می ریزند و داخل می شوند نام این دو فرشته منکر تکبیر است. از چشم های شان شعله های آتش سر میزند و با عصیانیت ماری نشانند و با صدای و هشتناک سوال میکنند ای کسی که در زینب و زینت دنیا غرق شده بودی و در فکر امتحان دنیوی قرار داشتی ای تماشایگر فیلم ها و سوره های مبتذل ای ریش تراشیده و یارایش کوتاه کننده. سوخور، رشوت خور، حرام خور و ای کسی که از مسند و مقام سوء استفاده میکردی. به آه مظلوم توجه نمی کردی ای دروگلو. سخن چین. غیبت کننده. ای مادر و پدر آزار که از تربیت شرعی و مدنی اولاد خود غافل بودی تا از دین و مذهب آگاهی نداشتی باشد باین غفلت و عمل بد فرزندان را از اجتماعات ماحول مملو از سنت های دعوت اسلامی و از زیبایی سنت ریش مبارک محروم ساختی، ای خواهران بی حجاب که با سر برهنه در بازار و کوچه های گردید و با آرایش مد روز در مراکز تجاری (شاپنگ سنتر) و به خانه های دوستان و بستگان میرید و با جرئت. خود را و دیگران را آلوده به فساد و گناه میکنید، اگر خدا از شما ناراض و پیامبر محبوبش از شما و گردان شد پس انتظار روزی را داشته باشید که باین سوالات سخت روبرو خواهید شد آنگاه آه و افسوس فایده ای ندارد، وقتی ایمان را از دست دادید اکنون از آن فرشته های ترسناک خواهید شنید! **هَن رِبْلُکَ؟** یعنی پروردگارت کیست؟ "آه: رب را فراموش کرده بودم. جواب درست داده نشد چون ایمان در باد فنا رفته است از زبان برمی آید: **هَيِّهَات هَيِّهَات لَا أَدْرِی**." افسوس افسوس نمیدانم" بعد سوال میشود: **هَمَّا دِیْنُکَ؟** یعنی دینت چیست؟ اکنون مرده در قبر فکر میکنند که من تاکنون به کارهای دنیوی گرفتار بودم برای امتحان قبر توجه و آمادگی نداشتم ناگهان از زبانش بیرون می شود: **هَيِّهَات هَيِّهَات لَا أَدْرِی** یعنی افسوس افسوس چیزی نمیدانم، بعد یک نور حسین و جمیل می درخشند و به او نشان داده می شود و از او سوال میکنند: **هَمَّا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟** در باره این شخص چه می گویی؟ چگونه شناخته شود در حالیکه بار ریش مبارک آشنایی نداشت، مانند غیر مسلم زندگی کرده چون با تراشیدن ریش

عادت داشت چهره این شخصیت که بارش مبارک می درخشید زما یکد بچه ای جوانش زلف می گذاشت اورا با تھدید و آزار مجبور میکرد تا کوتاه کند، این شخص بزرگوار که زلف دارد، در حالیکه خود آن بد بخت در زنجیر جا کلیدی و عقب ماشین سوزوکی خویش فیلم باز بگر خارجی گذاشته دیگران را نیز به تصویرهای مبتذل علنی دعوت میداد در اطاق پذیرایی اش همچنن تصویرها آویزان بوده اکنون می گوید من که باهز مردان آشنایی داشتم معلوم نیست این آقا کی خواهد بود؟ آه! این بد بختی که خاتمه اش با ایمان نبوده از دهانش بیرون می شود: **هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَا أَدْرِي**: افسوس افسوس من نمی شناسم: درین اثنا پنجره ای بهشت بازی شود و فوراً بسته میشود بعد پنجره ای از جھنم بازی شود و به او گفته میشود اگر جواب درست می دای آن پنجره جنت نصیبت می شد: این سخن را که می شنود حسرت و ندامت بروی تار میگردود. اکنون کفن او به شعله های آتش تبدیل می شود شعله های آتش قبرش را احاطه میکنند مارها و عقرب ها اورا نیش میزنند

جلوه جانان صَلَّى اللهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

نماز گزاران، روزه داران، حج کنندگان، زکوٰۃ دهندگان، پرھیزگاران که از فیلم ها و سوره های ناجائز، وعده خلافی، بد اخلاقی، دروغ، غیبت، نمایی و از بی حیایی پرھیز میکنند و برای رضامندی خدا شیرین زبانی می کنند - مبلغین دعوت اسلامی! ای کسانی که بر سنت ها عمل میکنند و دیگران را نیز آموزش میدھید، مدرسین و شنوندگان فضایل سنت، دعوت دهندگان و جاری کنندگان نیکی ها سفر کنندگان برای آموزش سنت هادر قافله های مدنی دعوت اسلامی، آراسته شدگان بایک قبضه ریش و تاج عمامه را بر سر کنندگان و لباس آراسته با سنت را بر تن کنندگان شمار امبارک باد که چون مومن در قبر گذاشته می شود و از او سوال می شود - **هَنْ رَبُّكَ؟** یعنی پروردگارت کیست؟ او میگوید: **رَبِّيَ اللهُ** یعنی پروردگارم الله عزوجل است. **مَا دِينُكَ؟** یعنی دینت چیست؟ از زبان بیرون می شود: **دِينِي الْإِسْلَامُ** یعنی دین من اسلام است اکنون می گوید الحمد لله **عَزَّ وَجَلَّ** که در محبت همین دین اسلام در قافله های دعوت اسلامی سفر میکردم و در محبت همین دین اسلام و عمل کردن به سنت ها طغر و طعن مردم را بانده و خوشی تحمل میکردم بخاطر همین دین اسلام زندگی ام وقف بود- بعد جلوه ای پر از رحمت کسی نمایان می شود آنگاه از زبان نماز گزاران سعادتمند، روزه داران، حاجی

صاحبان، زکات دہندگان، کہ بر آہنا زکوٰۃ فرض بودہ، عالمین سنت ہا، دعوت دہندگان بیکی ہا و شرکت کنندگان در قافلہ ہای آراستہ باسنن از اعماق قلب نعرہ ہا بلند می شود چنانچہ بفرمایش مفتی احمد یار خان رحمۃ اللہ تعالیٰ علیہ: کیفیت عشاق ہمین گونہ است:

روح نہ کیوں ہو مضطرب موت کے انتظار میں سنتا ہوں مجھ کو دیکھنے آئیں گے وہ مزار میں

در این لحظات حضور صلی اللہ تعالیٰ علیہ وآلہ وسلم در مزار پیش روی ماقرار میگیرد! این آرزو تا آخر عمر بالای سرماست۔

قبر میں سرکار آئیں تو میں قدموں میں گروں

گر فرشتے بھی اٹھائیں تو میں ان سے یوں کہوں

اب تو پائے ناز سے میں اے فرشتوں کیوں اٹھوں

مر کے پہنچا ہوں یہاں اس دلربا کے واسطے

معنی شعر اردو: آنگاہ کہ محبوب صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم در قبر بر من طلوع کند قدم ہا بش زاریات می کنیم! اگر فرشتہ ہا ہا بلند کنند پس من میگویم! ای فرشتہ ہا! کون از قدم ہا نازنین محبوبم کہ بہ ہمین خاطر مردہ ام! من چگونہ بلند بشوم کہ بہ آرزوی و امید دم رسیده ام!

چون در بارہ سید الابراہ، تاجدار مدینہ، محب الفقراء و الغریبا، مددگار بیگسان، شہنشاہ دو جہان، شفیع روز جزا، احمد مختار صلی اللہ تعالیٰ علیہ وآلہ وسلم پر سیدہ می شود: **مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟** یعنی در مورد این شخص تو چه میگفتی؟ آنگاہ از زبان بدون کنترل چنین جاری میشود: **هُوَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ** او فرستادہ خدا است۔ این همان آقای من است کہ باشنیدن ذکر خیرش سرانگشتانم رامی بوسیدم۔

تمہاری یاد کو کیسے نہ زندگی سمجھوں یہی تو ایک سہارا ہے زندگی کے لیے

مرے تو آپ ہی سب کچھ ہے رحمت عالم میں جی رہا ہوں زمانے میں آپ ہی کے لیے

این همان بھترین سید و سرورم محمد صلی اللہ تعالیٰ علیہ وآلہ وسلم است کہ ذکر خیرش سرمایہ حیاتم بود، این همان آقای عزیزم محمد صلی اللہ تعالیٰ علیہ وآلہ وسلم است کہ ذکر نام مبارکش باعث سرور قلبم و نور چشمانم بود۔

معنی شعر اردو: 'من چگونہ یاد گرامی ات را سبب زندگی ام ندانم در حالیکہ ہمیں یاد تو ہمہ زندگی من است' ای رحمت عالم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم تمام دارایی ام تو ہستی من خاص بخاطر نام گرامی تو در این جہان زندہ ام۔ و چون سید عالم صَلَّى اللهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ جلوہ گرمی شوند و بعد می خواهند تشریف بہرند انشاء اللہ عَزَّ وَجَلَّ بہ قدمہای مبارکش می افتم و عرض میکنم یا رسول اللہ صَلَّى اللهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: دلم تشنہ محبت شہاست و دیدہ ام نیز در انتظار دیدار شہاست چرا بہ این زودی از نزدم تشریف می برید، ای جان عالم! مرو و تشریف داشتہ باش من از زیارت وجود پر نور ت سیراب نشدہ ام، ای کاش! سرور و آقای عزیز ما جلوہ های نورانی اش برای ہمیشہ قبر تاریک ما را منور فرمایند، بہ گفتہ مولانا حسن رضا خان رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِمْ: "چون کنیم بزم شہستان جنان را خواهش جلوہ یار چو شمع شب تنہائی ماست" بعد از سوال آخر پنجرہ جہنم اندکی بازی شود و فوراً مسدود میگردد۔ بعد از آن پنجرہ جنت باز میگردد و گفتہ می شود، اگر تو جواہہای درست ارائه نمی کردی پس آن پنجرہ دوزخ برایت آمادہ بود۔ باشندین این کلمہ بسیار خوشحال می شود۔ اکنون کفن جنتی، فرش جنتی و قبر تاجای کہ نظری بیند و سبوح می گردد و لذات بی نہایت نصیب می شود۔

قبر میں لہرائیں گے تا حشر چشمے نور کے
جلوہ فرماں ہوگی جب طلعت رسول اللہ کی

معنی شعر اردو: آنگاہ کہ رسول اللہ صَلَّى اللهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ جلوہ افروز میگردد تا قیامت چشمہ های نور جاری می شوند " (حدائق بخشش)

صَلُّوْا عَلَي الْحَبِيْب! صَلَّى اللهُ تَعَالَى عَلَي مُحَمَّد

نام بردر وازہ جہنم

برادران عزیز اسلامی! در بارگاہ رب العالمین فوراً از گناہان خویش توبہ نمائید۔ ارشاد پند آموز سالار مدینہ صَلَّى اللهُ تَعَالَى عَلَيْهِ

وَآلِهِ وَسَلَّمَ است کہ: چون کسی عمد نمازی را قضاء می کند نامش بہ همان دروازہ جہنم نوشته می شود کہ از آن بہ جہنم داخل می گردد

- (حلیۃ الاولیاء ج 7 ص 299 حدیث 1059)

بر نماز ہاپلپبندی کنید۔ در صفحہ ۴۳۴ جلد اول بھار شریعت درج است: (غی) نام وادی است در جھنم کہ شدت گرماء و عمق آن از ہمہ بیشتر است در آن چاہی است بنام (جھب) وقتی آتش جھنم بہ خاموشی میرسد خداوند دروازہ آن چاہ را باز میکند کہ بوسیله آن آتش شعلہ ور میگردد۔ این چاہ مخصوص بی نمازان، زناکاران، شراب خوران، سود خوران و آزار دہندگان والدین (پدران و مادران) است همچنان رمضان المبارک باید احترام و اہتمام گردد در حدیث شریف ارشاد فرمودہ اند: کسی کہ یک روز از ماہ رمضان را بدون عذر شرعی و مریضی قضا نماید اگر بعد اتمام عمر قضائی ہم بگیرد جبران نخواہد شد

(ترمذی ج 2 ص 175 حدیث 733)

برادران عزیز اسلامی! نماز ہا و روزہ ہا کی گذشتہ اگر از شرافت گردیدہ اند حساب نمائید و قضائی عمری بگیرید و از گناہ و تاخیر عمدی آن نیز توبہ نمائید۔ کسانی را کہ چشم چرانی نمودہ اند و فیلم ہا و سرودہا مبتذل را تماشا کردہ اند نیز متوجہ نمائید کہ در مکاشفۃ القلوب تحریر است: کسی کہ چشم ہایش را از حرام پر میکند خداوند در روز قیامت چشمانش را از آتش پر میکند۔ (مکاشفۃ القلوب ص 10) آنہا کی مادر و پدر خویش را ناراض میکنند برای شان وعدہ عذاب دردناک است۔ چنانچہ در حدیث شریف آمدہ است: حضرت سرور کائنات شاہ موجودات صَلَّى اللهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در شب معراج گروہی را نظارہ فرمودند کہ بہ شاخہ ہا آتشین آویزان ہستند عرض کردند: این گروہ بہ پدران و مادران شان دشنام میدادند۔ (الکبائر ص 48) ریش تراشان یا از قبض کوتاہ کنندگان نیز باید متوجہ باشند کہ در حدیث شریف آمدہ است: سخیل ہا را خوب کوتاہ نمائید و ریش را آزاد بگذارید یعنی (بزرگ کنید) و صورت خویش را شبیہ یھودیان منمائید۔ (شرح معانی الآثار ج 4 ص 28 حدیث 6422-6424)

سرکار کا عاشق بھی کیا ڈھی منڈ اتاہے

کیوں عشق کا چہیرے سے اظہا نہیں ہوتا

صَلُّوْا عَلَی الْحَبِیْب! صَلَّى اللهُ تَعَالَى عَلَی مُحَمَّدٍ

عقرب سیاه

در یکی از روستاهای نزدیک کویته بلوچستان جنازه یک نوجوان زیبا لوارث دیده شد مردم جمع شدند و اوراد فن نمودند: که درین اثنا در میان مرحوم رسیدند و گفتند جنازه خویش را می بریم و در روستای خودمان دفن میکنیم۔ لهذا قبر راد و باره باز کردند۔ وقتی کفن را از صورتش برداشتند فریاد مردم بلند شد که در چهره آن نوجوان زیبا از عقرب های سیاه یک ریش سیاه درست شده بود مردم همه وحشت زده شدند سر یعاد و باره بر رویش خاک انداختند و فرار کردند۔ برادران عزیز اسلامی! همه ما را خداوند از عقرب ها نجات دهد۔ آمین فرصت را از دست ندهید و هر چه زود تر سنت آنحضرت صَلَّى اللهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را بر چهره های خویش آراسته نمایند و اگر تا کنون تراشیده و یا کوتاه کرده اید ازین گناه توبه کنید۔ باید بدانید که تراشیدن و کوتاه کردن ریش حرام است۔

گذاشتن گیسوست است

برادران عزیز اسلامی! زلفان مبارک آقای کی مدنی حضرت محمد مصطفی صَلَّى اللهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ گاھی اوقات تا نصف گوش مبارک، گاھی تا زرمه های گوش مبارک و بعضی اوقات چنان بزرگ می شدند که تا نشانه های مبارک می رسیدند۔ (اشمال الحمدیہ لیلتری 18:35، 34)

بلبل! در هنگام آدای حج و عمره برای بیرون شدن از احرام حلق می فرمودند یعنی موهای مبارک را می تراشیدند۔ موهای مدل انگلیس سنت نیست بلکه گیسو (زلف) سنت است۔ لطفا موهای سر خود را برابر با سنت گیسو بگذارید همچنین سنت عمامه شریف مصطفی صَلَّى اللهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را مثل تاج بر سر خویش آراسته نمایند۔

حکایت شیرین عمامه

امام اهل سنت مولانا شاه احمد رضا خان رَحْمَةُ اللهِ تَعَالَى عَلَيْهِ میفرماید: حضرت سیدنا سالم نواسه سیدنا عمر فاروق رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ میفرماید من خدمت پدر بزرگوارم حضرت عبداللہ ابن عمر رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُمَا حضور داشتم که ایشان بر سر مبارکش عمامه می بستند، بنگامی که بستند به سوی من توجه نموده فرمودند: تو عمامه را دوست داری؟ عرض کردم چرا نه!

فرمودند آرزو دست داشته باش کہ عزت می یابی و باید آن شیطان بہ شاپست میکند یعنی از شمار و گردان میشود۔ من از رسول اللہ صَلَّى اللہ تَعَالَى عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّمَ شنیدم کہ ارشاد فرمودند یک نماز نفل یا فرض با عمامہ 25 برابر نماز بدون عمامہ است۔ ویک نماز جمعہ با عمامہ، ہفتاد برابر نماز جمعہ بدون عمامہ است بعد حضرت ابن عمر رَضِيَ اللہ تَعَالَى عَنْہُ فرمودند: فرزندم: عمامہ بر سر کن کہ در روز جمعہ فرشتہ ہا با عمامہ حاضر میشوند تا غروب آفتاب بر عمامہ داران سلام میفرستند۔ (فتاویٰ رضویہ ج 6 ص 215)

اگر ہمہ ما با یک احساس تفکر مدنی تعہد نمایم کہ از امر و زاپہ بند بہ سنت ہای نبوی صَلَّى اللہ تَعَالَى عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّمَ بشویم یعنی ریش مبارک و زلف ہا را بزرگ نمایم و عمامہ بر سر بندیم پس انشاء اللہ عَزَّوَجَلَّ ریش، زلف ہا و عمامہ دوبارہ راتج میگردد یعنی چنانچہ اکثر مردم درین زمانہ ریش ہا را میتراشند بچہمین ترتیب تعداد کثیر مسلمانان صورت خویش را بارش ہا آراستہ می نمایند و در ہمہ جا سنت ریش، زلف و عمامہ زندہ می شود۔

ہم کو بیٹھے مصطفیٰ کی سنتوں سے پیار ہے

انشاء اللہ عَزَّوَجَلَّ دو جہاں میں اپنا بیڑا پار ہے

معنی شعر اردو: چون سنت ہای مصطفیٰ صَلَّى اللہ تَعَالَى عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّمَ در دل ما جای گرفت انشاء اللہ عَزَّوَجَلَّ کشتی محمولہ ما در دو جہاں بہ ساحل میرسد و نجات می یابیم!

نتیجہ آرایش کنندگان نا جایز

سید مدینہ صَلَّى اللہ تَعَالَى عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّمَ ارشاد فرمودند: در شب معراج تعدادی از مردان را دیدم کہ پوست ہای شان با قیچی ہای آنتین قطع می شد گفتم اینچہا کسانی اند؟ جبریل امین جواب داد ایشان کسانی اند کہ از اشیای نا جایز خود را تزئین می نمودند۔ ہچنین یک گودال بد بود دیدم کہ در آن صدای نالہ و فریاد بود، گفتم اینچہا کسانی اند؟ گفت اینہا زنانی اند کہ از اشیای نا جایز زینت حاصل میکردند۔ (تاریخ بغداد ج 1 ص 415) توجہ داشته باشید کہ رنگ ناخن بر روی ناخنہا می چسبد کہ در این صورت نہ وضو درست می شود نہ غسل، چون غسل و وضو درست انجام نگرود نماز ہم اداء نمیگردد۔

بیائید پیمان بندیم

برادران عزیز اسلامی! از همین امروز عهد نمایند که: هیچ نمازی از ما فوت نخواهد شد۔ از امروز به بعد روزه‌های رمضان را قضاء نمی‌کنیم فیلم‌ها و سرودهای مبتذل را تماشا نمی‌کنیم ریش را نمی‌تراشیم و از یک مشت کمتر نمی‌گزاریم انشاء اللہ و پاچه‌های شلوار مردان از غوزک پایبند بالا تر باشند زیر الباسی که از تکبر پائین باشد در آتش است در حدیث شریف است: شخصی از تکبر شلوارش را پائین می‌کشید حتی که بر زمین کشیده می‌شد۔ آن شخص در زمین فرو رفت و او تا قیامت در زمین فرو میرود (بخاری ص 47 حدیث 579)

تمام برادران اسلامی از امروز به بعد شلوار را از غوزک پایبند بالا تر مینمایند۔ انشاء اللہ، انشاء اللہ، انشاء اللہ عَزَّوَجَلَّ

برادران عزیز اسلامی! سخنانم را به اختتام می‌رسانم می‌خواهم سعادت بیان آداب و فضائل سنت را کسب نمایم فرمان جنت نشان تاجدار رسالت، شهنامه نبوت، شمع بزم هدایت صَلَّى اللهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است: کسی که سنت من را دوست دارد او من را دوست دارد و کسی که من را دوست دارد او در بهشت با من یکجا است۔ (ابن عساکر ج 9 ص 343)

معنی شعر اردو: ای سرور و آقا سینه من مدینه ای سنت تو قرار گرفت " امیدوارم که این بنده حقیر را در بهشت به همسایگی خود بپذیری " آمین

به نسبت بیست 20 حرف رب مصطفی

مهمان مدینه نما ۲۰ گلدسته مدنی مهمان نوازی

شش فرمان مصطفی صَلَّى اللهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

- کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد پس باید که احترام مهمان را داشته باشد. (بخاری ج 4 ص 105 حدیث 6018)
- مفسر مشهور حکیم الامت مفتی احمد یار خان رَحْمَةُ اللهِ تَعَالَى عَلَيْهِ با پیروی از حدیث بالا میفرمایند۔ احترام مهمان این است که با جین گشاده از او پذیرائی شود، انتظام غذا و خدمات دیگر برایش فراهم گردد، حتی الامکان میزبان با دست خودش خدمت مهمان را بکند۔ (مرآت ج 6 ص 52)

2. وقتی مہمان نزد کسی می آید، روزی اش را با خود می آورد و زمانی که از آنجا میرود سبب بخشش گناہان صاحب خانہ میگردد۔ (کنز العمال ج ۹ ص ۹۷ حدیث ۱۴۷۹۳)

3. کسی کہ نماز را قائم کرد، زکوٰۃ را ادا کرد، فرائض حج را انجام داد، روزہ رمضان را گرفت و از مہمان پذیرائی کرد او داخل بہشت میگردد۔ (المجم الکبیر ج 12 ص 106 حدیث 12692)

4. شخصی کہ با وجود توانائی مہمان نوازی نمیکند در وجود او خوبی نیست (مسند امام احمد بن حنبل ج 6 ص 142 حدیث 17424)

5. کسی کہ از مہمان خدمت بخواہد کم عقل و بی شعور است۔ (الجامع الصغیر ص 288 حدیث 4286)

6. طریقہ سنت این است کہ انسان مہمان را تا در ب منزل ہمراہی کند۔ (ابن ماجہ ج 4 ص 52 حدیث 3358)

مفتی احمد یار خان رحمۃ اللہ تعالیٰ علیہ میفرماید: مہمان ما کسی است کہ غرض ملاقات ما از بیرون می آید چه شناخت قبلی با ہم داشته باشیم یا نباشیم۔ کسی کہ با مادر یک محل یا یک شہر زندگی میکند برای چند دقیقہ و یا ساعتی نزد ما می آید او ملاقات کندہ است مہمان نیست، احترامش بر ما لازم است اما دعوتی لازم نیست۔ و اگر شخص نا آشنا برای انجام کاری نزد ما می آید او ہم مہمان نیست۔ مثل این کہ کسی نزد حاکم یا مفتی برای شکایت یا فتویٰ می آید آنہم مہمان گفتہ نمی شود۔ (مراجہ ج 6 ص 54)

❖ مہمان را لازم است کہ رعایت مصروفیت و کار و بار میزبان را در نظر داشته باشد۔ در حدیث شماره 14 ص 391 ج 3 بھار شریعت است کہ اگر کسی بخدا و روز قیامت ایمان دارد او باید از مہمان اکرام نماید۔ یک شب و روز جایزہ اوست (یعنی یکروز حسب المقدور بصورت خاص در آمادگی غذا اہتمام نماید) و ضیافت تا سہ روز است (یعنی بعد از یکروز میزبان خود را بزحمت نیاندازد بلکہ آنچه حاضر است تقدیم نماید) و بعد از سہ روز صدقہ است مہمان را حلال نیست کہ برای صاحب خانہ مزاحمت ایجاد کند (بخاری ج 4 ص 136 حدیث 6135)

❖ وقتی کہ شامزد کسی بطور مہمان میر وید پس مناسب هست کہ با محبت فراوان حسب حیثیت میزبان یا برای بچہ

❖ میزبان را لازم است که در همان وقت به مهمان بگوید بفرمائید " بیشتر بخورید" اما اصرار نکنند که مبادا بخاطر اصرار زیاد آنقدر بخورد که به او ضرر برساند۔

❖ حجۃ الاسلام حضرت سیدنا امام ابو حامد محمد بن محمد بن محمد غزالی رَحْمَةُ اللهِ تَعَالَى عَلَيْهِ میفرماید: اگر دوست شما کم می خورد ترغیباً به او بگوئید بفرمائید۔ و لیکن بیشتر از سه بار نگوئید چرا که این اصراری بیش از حد هم خوب نیست۔ (اجیاء العلوم ج2 ص9)

❖ میزبان نباید کاملاً خاموش باشد و اینگونه هم نباشد که غذا را بگذارد و غائب شود بلکه همانجا حاضر باشد۔ (عائلیه ص5 ج345)

❖ در حضور مهمانان بر خادم و غیره عصبانی نشود۔ (ایضاً)

❖ میزبان باید خودش نیز در خدمت مهمان باشد و او را انتخابه خادمان نگذارد که این عمل سنت حضرت سیدنا ابراهیم علی نبینا و علیه الصلوٰة والسلام است (ایضاً، بحار شریعت ج3 ص394) شخصی که با همراهی برادران مهمان خود غذا می خورد از او حساب گرفته نمی شود۔ (توت القلوب ج2 ص306)

❖ حجۃ الاسلام حضرت سیدنا امام ابو حامد محمد بن محمد بن محمد غزالی رَحْمَةُ اللهِ تَعَالَى عَلَيْهِ میفرماید: شخصی که غذا کم می خورد وقتی با دیگران غذا می خورد پلش کمی دیر تر شروع کند، لقمه هایش را کوچک بگیرد و آهسته بخورد تا بتواند دیگران را تا آخر همراهی نماید۔ (مرآة المفاتیح ج8 ص84 تحت الحدیث 4254)

❖ اگر کسی به این خاطر زود دست از غذا بکشد که مردم او را بگویند بسیار کم خوراک است پس شخص مذکور ریاکار و سزاوار جهنم است۔

❖ اگر بخاطر همراهی مهمان بیشتر از حد گرسنگی بخورد که مبادا مهمان احساس شرمندگی کند و بدون اینکه سیر شود

دست از غذا بردارد درین صورت اجازه هست تا کمی بیشتر بخورد بشرط اینکه اضطراب از زخم معده و غیره نداشته باشد۔ (لخص از در مختار ج 6 ص 561)

❖ شخصی عرض کرد! یا رسول اللہ صلی اللہ تعالیٰ علیہ و آلہ وسلم: من زد کسی رفتم، او مراد عوت و پذیرائی نکرد و او اکنون نزد من آمده آیا از او انتقام بگیرم؟ ارشاد فرمودند: خیر! بلکه تو از او پذیرائی کن۔ (ترمذی ج 3 ص 405 حدیث 2013)

❖ برای آموختن هر اران سنت مطبوعه مکتبه المدینه دو کتاب (1) کتاب مشتمل 312 صفحه ((بهار سنت)) قسمت 16 و (2) کتاب مشتمل 120 صفحه ((سنن و آداب)) را بطور هدیه (هدیه) بدست آورید و بخوانید۔ بهترین وسیله برای آموزش و پرورش سنن در قافله های مدنی دعوت اسلامی سفر مملو از سنت ها با عاشقان رسول است۔ این رساله را بخونید و به دیگران هم برسانید در جلسات غم و سرور، اجتماعات، ساگره وفات، رهیپمائی های میلاد و غیره رسائل و کتب کوچک مزین شده با گل های مدنی را که در مکتبه المدینه شایع گردیده اند تقسیم نموده کسب ثواب نمایید، برای توزیع این رسالات بطور هدیه به مشتریان آنها را در مغازه های خویش نیز بگذارید۔ بوسیله روزنامه فروشان یا بچه هادر هر خانه از هم محلی های خود ماهانه کم از کم یک جلد رساله مملو از سنن یا کتاب پراز گل های مدنی را برسانید و با شاعرهای دعوت به نیکی ثواب فراوان کسب نمایید۔

صَلُّوا عَلَيَّ الْحَبِيبِ! صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ